

فرار از یاس و سعی در انجام خدمات ملی دو علاج واقعی دردهای بی درمان این کشور ستم دیده است

دکتر محمد مصدق

اتحاد بزرگ

شماره ۳۰ پنجشنبه ۱۵ شهریورماه ۱۳۵۸

تک شماره ۱۰ ریال

هیچ فرقی بین شیعه و سنی نیست

امام خمینی

پای خود را جای پای پهلوی ها نگذارید!

مستولان دیپلماسی ایران پس از انقلاب هنوز خط مشخصی از سیاست خارجی کشور بدست ندادند و گویا همچنان در بسیاری از موارد همان سیاست پیشینگان خود را دنبال می کنند.

هفته گذشته با خبر شدیم که در جوار کنفرانس کشورهای نا وابستان ملاقاتی میان وزیر خارجه کشور مابا صدراعظم حسین تکرینی رئیس جمهور تازه عراق صورت گرفته است در این ملاقات ناظران سیاسی تاکید کردند که مذاکرات پیرامون کردستان و خوزستان ایران بوده است.

جای تعجب است که برسر گوشه هائی از خاک وطنمان با دولت بعث عراق به مذاکره بنشینیم، مذاکره بر سر چیست؟ که عراقی دست از تحریک دو خوزستان

و کردستان بردارد؟ یا آنکه از آنها خواسته ایم باردیگی اشتباها!! بخشی از دهکده های مرزی ایران را بمباران کنند. فراموش کرده ایم که دولت بعث عراق چه رفتار رقابت باری با شیعیان که بیش از پنجاه درصد جمعیت این کشور را تشکیل می دهند داشته و دارد.

فراموش کرده ایم که عمل بعث عراق چه بر سر هم میبندد کرد آوردند و از آنجا که توان مقابله با قیام راستین داد مردان کرد را نداشتند دست به بمباران دهکده های آنها زدند و برادران کرد را بگلا و بگلا خون کشیدند.

حتما به یاد داریم که چگونه برادران کرد را از خانه و کاشانه خود آواره کردند و بایک تاکتیک هیتلرمانه برسر آنها باروزیم دیکتاتوری پهلوی به معامله نشستند.

شاید قرارداد ننگین الجزیره را که میان صدام حسین و شاه مخلوع منعقد شد فراموش کرده ایم.

آن زمان وزیر خارجه در ایران نبودند ولی ملت ایران دید که چگونه برادرانمان را با توهمین و تجاوز به حقوق انسانی آنها گلووار دهمرز های ایران رها کردند و از آنها شتیدند که چگونه عمل با صحت عراق حتی از تجاوز به ناموس آنها روگردان نشدند و امواتشان را مسافره کردند.

راه دوری نمی روییم به هنگامیکه انقلاب ایران دواوج بود و خون عزیزانمان بر سنگفرش خیابانها شعار با مرگ یا خمینی را ترسیم می کردیم و دولت بعث عراق بدون توجه به خواست ملت ایران در رابطه با نظام دیکتاتوری تنگنا های فراوانی را برای

مستولان دیپلماسی ایران پس از انقلاب هنوز خط مشخصی از سیاست خارجی کشور بدست ندادند و گویا همچنان در بسیاری از موارد همان سیاست پیشینگان خود را دنبال می کنند.

هفته گذشته با خبر شدیم که در جوار کنفرانس کشورهای نا وابستان ملاقاتی میان وزیر خارجه کشور مابا صدراعظم حسین تکرینی رئیس جمهور تازه عراق صورت گرفته است در این ملاقات ناظران سیاسی تاکید کردند که مذاکرات پیرامون کردستان و خوزستان ایران بوده است.

جای تعجب است که برسر گوشه هائی از خاک وطنمان با دولت بعث عراق به مذاکره بنشینیم، مذاکره بر سر چیست؟ که عراقی دست از تحریک دو خوزستان

پایان جنگ ناخوار استه!

خاطرم آن یکبار نوشتیم که دولت در این فاجعه بیشترین گناه را به دلیل سه موقع نچینی و وعدهها را بهوعید بدل کردن به عهدهدار زیرا از چنان هشجاری برخوردار نبود که بتواند از روحیه ملی همپیمانان کرد مدد گیرد و کردستان میدان جنگ دو برادر نشود!

از این بهروی هم خنجر کشیدن دشمنان ما شاد شدند، گرچه شادمانی آنها دیرری نیاید و استقرار توسط ارتش کام به شیرینی نشستی آنها را تلخ نمود، و ای گاش چنین نمی شد.

برادر کرد، ما از یاد نبرده ایم که در سالهای سیاه اختناق، چه دلیرانه به یاری بقیه در صفحه ۴

افتاد و ناگزیر ارتش جمهوری اسلامی ایران و دیگر نیروهای مسلح به منظور درهم شکستن پایگاههای توطئه وارد عمل شدند. ارتشی که لوله های گرم اسلحه اش باید به آن سوی سرزها غرش کند و دشمنان ایران را از پای آورد، در خاک میین به حرکت درآمد.

برادر و خواهر کرد میدان رزم ما میروان، پاوه، سنندج، سقز، مهاباد و یانه نیست. این جنگ ناخوار استه از سوی هر گروه که تضح گرفته باشد به زبان ایران است و به انقلاب بزرگ و مطهر ما آسیب می رساند. خون شهیدان این ناچه چهری انقلاب ما را صیقل و صفا نمی بخشد که داعی است بر چنانپایان و باری است بر

میدان رزم میروان، پاوه، سنندج، سقز، مهاباد و بانه نیست

همه ی تیره های ایرانی از سوی استبداد وابسته به استعمار رفته بود، پایان داده شور.

با آنکه سوعصده به جان فرمانده پادگان مهاباد که در تمامی روزهای پیش از پیروزی با رفتار مردمی و تماس های بیگام بسا رهبران سیاسی و مذهبی انقلاب کوشید هیچ حادثه ی تلخی رخ نهد و تظاهرات مردم در نهایت نظم و آزادی انجام گیرد، نقطه ی سیاهی در آغاز این گفتگوهای سیاسی بود، ادامه ی آن آگي در فضای بلور از غرض انجام می گرفت می توانست از فاجعه جلوگیری کند و به تفاهم کامل بیانجامد! ولی دیدیم که جز این شد و توطئه چنان گسترش یافت و از دهی به دهی دیگر و شهری به شهری دیگر در سیرد که حاکمیت ملی و حقانیت انقلاب به خطر

دیدیم چگونه توطئه در کردستان از ترکیب يك زمینه اجتماعی مناسب همراه با همبستگی نیروهایی که انقلاب ایسران حیات سیاسی آنها را پایان می بخشید به وجود آمد و تردید و تزلزل و سبب انگاری دولت نیز بگونه ای عامل تعیین کننده فرصت ها را بطور کامل در اختیار شد انقلاب گذاشت و سرانجام کار بدانجا کشید که جنگ ناخوار استه آغاز گردید و نگرانی واضطراب بر میین سایه افکن شد.

ما چرا از هجوم ناخوارانده به پادگان مهاباد آغاز گردید و این دردمت زمانی بود که هیاتی از سوی دولت برای گفتگو پیرامون تنگناها در مهاباد حضور داشت و همه چیز با حسن نیت همراه بود و امید می رفت که خواست های برحق همپیمانان کرد جمله عمل پوشد و به ستمی که سالیان دواز بر

جدول ارزش ها باید دگرگون شود

انسان، سوول اسارت آزادی است زیر آکه خود سازنده جهان بیمارگونه کنونی می باشد که در آن هر چیز مفهوم واقعی خود را از دست داده است.

انسان و آزادی دو مفهوم که هر یک دیگری را تداعی می کنند هر دو جستاری است که تمامی اندیشه ها را به خود مشغول داشته است.

انسان برترین پدیده جهان هستی که هر زمان دل آگاه و بیناروان بوده به چنان عظمت معنوی و اشراق روحانی دست یافته که با تمام مصادقات انسانی خویش، اناللق را بر زبان رانده است و این کلام تنها در بالاترین مرحله آگاهی بر زبان انسان جاری می شود.

«اناللق» خود را خداخواندن نیست که دست یافتن به ذرفای هستی انسانی و رسیدن به چنان مرحله ای از پیش پویای سپیدمنی است که «انسان خدایی» را می طلبد، دست یازی به فراخای مجد

انسانیت را می خواهد و سر انجام جلوه ی هستی یافتگی و خداوندگاری اندیشه ی انسان را می جوید. چنین انسانی، انسان راستین است که به جهان و به زندگی مفهوم می بخشد و به انسانیت معنا می دهد و آزادی، این برترین حماسه ی عصر ما، که دردمندانه گرفتار است.

اگر بیندیشیم که «عمل انسانی» عملی است که برترین ویژگی اش «مسئولیت» است و انسان در برابر آزادی مسئول می باشد، به این نتیجه ی منطقی می رسیم که انسان مسئول اسارت آزادی است زیرا که خود سازنده ی جهان بیمارگونه کنونی می باشد که در آن هر چیز مفهوم واقعی خود را از دست داده است و بدین ترتیب باید برای رهایی خود و رهایی آزادی به مبارزه انقلابی برای تسخیر واقعیت دست بزند.

باید خود را و جهان خود را از نو نام گذاری کند. و این به خودآگاهی و وقوف و عرفان نیاز دارد. انسان زمانی به تکامل دست می یازد که بتواند در زندگی خود دگرگونی بنیادی و اساسی فراهم آورد.

انسان و آزادی دو مفهوم که هر یک دیگری را تداعی می کنند هر دو جستاری است که تمامی اندیشه ها را به خود مشغول داشته است.

انسان برترین پدیده جهان هستی که هر زمان دل آگاه و بیناروان بوده به چنان عظمت معنوی و اشراق روحانی دست یافته که با تمام مصادقات انسانی خویش، اناللق را بر زبان رانده است و این کلام تنها در بالاترین مرحله آگاهی بر زبان انسان جاری می شود.

«اناللق» خود را خداخواندن نیست که دست یافتن به ذرفای هستی انسانی و رسیدن به چنان مرحله ای از پیش پویای سپیدمنی است که «انسان خدایی» را می طلبد، دست یازی به فراخای مجد

خجسته باد روز بنیاد

برگهای تاریخ دربرای ایران، آرمانهای مردمی را بازشناسی میگردند با مردم آتی- هائی چند در شامگاه پانزدهم شهریورماه ۴ بقیه در صفحه ۴

اعلامیه حزب ملت ایران

ای آفریدگار پاک! ترا پرستش می کنم و از تو یاری می جویم

زنی زدائی در فرهنگ پدیده تازه ی انقلابی!!

شادمان از اینکه سرانجام جانی برای پسرکم یافتن تا سال تحصیلی را با تغییر و تبدیل های عجولانه و بی مطالعه ی آموزش و پرورش آغاز کند، از آنجا که لازمی شناخت محیط مدرسه، آشنائی با معلم و کادر آموزشی است خود را آماده ی یکسری پرسش های بی ددبی می گردم که با نخستین پاسخ آب سردی بر سر همه ی عیجانهای دونی ام فرو بارید.

همپیمان، همزمان: ایران، به گونه همواره یکی از بر باترین فرهنگهای جهان ملتها در دو بیست ساله گذشته با همسوسای گوناگون امپریالیست دویرو بوده ولی هیچگاه از میاززه بر شد استعمار و استبداد ساز نایستاده است.

در گیرودار جنگ جهانی دوم که همه بخشهای همین زمین شده ما به اشغال ارتشهای بیگانه درآمد، جنبش رهایی بخش مردمی، دورنمایه ای نو و سازنده تر پیدا کرد.

این جنبش جدید نه تنها در زمینه سیاسی بیان کننده قاطع «موازنه منلی» بودو از هر نوع گرایش به قدرتهای سلطه گر دوری می جست بلکه در خط تکمیل فرهنگ ایرانی که آموزشهای والای اسلامی عنصر بنیادی آن است قرار گرفت.

در رابطه با چنین جنبش ریشه داری، گروهی از جوانان میین که به سه دنبال ویران سازیهای اشغالگران، در لابلای

یادشهادت ۱۷ شهریور گرامی باد

همپیمان: یکسال گذشت، سالی دگرگون ساز و افتخارآمیز. سامداد دلبره انگیز هفدهم شهریور سال ۱۳۵۷ نخستین تیفه های زردین خود را بر چشمه های خوششان پیکر دلاورانی که استقلال و آزادی را طلب می کردند نشان نمود. برای ایرانیان بیباخته که به دستهای خالی و دل های پسر ایوان، تصمیم به دردم نوردیدن تو مار ستم بیست و پنجساله داشتند، میارزه آن روز، به گونه نبرد حق بر باطل طرح بود.

ملت ایران مسی خواست بساط سالیان دواز تمام حلقان و لصاد تلاشهای شد مسلی و شد دینی را بر چیند و اسارتها و اهانتها و حقاقتها را پایان بخشند.

یر آن روز زنان و مردان آرمانخواه با چنین تصویر با شکوهی از زندگی به میدان آمدند به همان آمده نده نبرد ای نیون تا از هویت خود دفاع کنند و تاریخ را آسان که شایسته است وقم ژند و هفدهم شهریور بگونه ی حماسه ای جاودان بر تالک این تاریخ نشست.

عید فطر سال پیش نمایش همبستگی ملی بود و «نظام حاکم» به رغم توطئه های پردامنه نتوانست راه پیمانهای با نظم روز دوشنبه سیزدهم شهریور را به خون کشد.

نامه سرگشاده به مهندس بازرگان

او و مدارکی را که می خواست همراه ببرد بررسی می کردند.

بهرحال محمد منتظری بازم از ایران خارج شد، در حالی که نکوتی بازیارس دادگستری پس از این سفر اعلام کرده بود هم این بازیارس حکم ممنوع الخروج بودن منتظری را لغو نکرده است.

آقای بازرگان یکبار از فرودگاه بودید و چهره افسران شهربانی را می دیدید که چگونه با فداکاری از ورود تفنگ بدستان به فرودگاه مهرباد جلوگیری می کردند و پس از سی ساعت فعالیت و بدون استراحت، در پایا نشامد عزیمت منتظری بودند که کارهایش حل شد و رفت، و نهصد هزار تومان بابت بلیط هواپیما پرداخت شد و حدود ۶۰ نفر در هم با خود ببرد

شناسد بازم بلون رعایت مقررات و این بار با وجود ممنوع الخروج بودن به فرودگاه مهرباد رفت و گفت که دوست دارد به لیبی پرواز کند من که دو روز وقت خود را فقط و تنها به این دلیل که سراز کار این شخص و واکنش دولت انقلابی درآورد در فرودگاه مهرباد گذرانم کاملاً لقب حرکتی می بودم که در ابتدا برای جلوگیری از پرواز منتظری صورت گرفت و سپس همه فعالیتها برای حرکت دادن او بسوی لیبی آغاز شد. آنگونه که گفتند و کسی هم تکذیب نکرده وزیر دادگستری برای دفع ممنوعیت خروج او اقدام کرد، هوایمانی ملی یک پرواز داخلی را لغو کرد بستگان و دوستان و بزرگترین فرد خانواده او با ابرام پول هزینه کرایه هواپیما را تهیه کردند و در همین زمان مسئولان امور، راهها و شیوه های گوناگون را برای دفع ممنوعیت خروج

تعیین حد اقل دستمزد اقدام انقلابی شورای عالی کار

یابد و باید سریع بنویسم که تنها نقاط غیر انقلابی بودن دولت را بررسی کرده ام نتیجه را به آقای بازرگان و دیگر خوانندگان روزنامه واگذار می کنم.

نخست وزیر در پیام اعتراض خود بر انقلابی بودن دولت تکیه داشت لیکن بسیار جالب بود که در همان روزنامه که پیام چاپ شده بود مقاله پرواز غیر قانونی محمد منتظری هم درج شده بود به اینصورت که محمد منتظری جوانی که قانون شکنی را دوست دارد و دولت را بر مسیمت نسیم

یابد و باید سریع بنویسم که تنها نقاط غیر انقلابی بودن دولت را بررسی کرده ام نتیجه را به آقای بازرگان و دیگر خوانندگان روزنامه واگذار می کنم.

نخست وزیر در پیام اعتراض خود بر انقلابی بودن دولت تکیه داشت لیکن بسیار جالب بود که در همان روزنامه که پیام چاپ شده بود مقاله پرواز غیر قانونی محمد منتظری هم درج شده بود به اینصورت که محمد منتظری جوانی که قانون شکنی را دوست دارد و دولت را بر مسیمت نسیم

تعیین حد اقل دستمزد اقدام انقلابی شورای عالی کار

تعیین حد اقل دستمزد اقدام انقلابی شورای عالی کار

تعیین حد اقل دستمزد اقدام انقلابی شورای عالی کار

تعیین حداقل دستمزد اقدام انقلابی شورای عالی کار

مساله دستمزد و درآمد کارگران در هر جامعه‌ای بستگی به چگونگی اداره آن جامعه و یا بطور کلی موضع سیاسی، فرهنگی آن دارد در ایران این گروه عظیم که چرخ های اقتصاد مین بر شاه های آسیب دیده شان قرار گرفته، هرگز از توجه لازم برخوردار نبوده و مورد بیشترین ستم بوده‌اند و اگر هر چند گاه یکبار جنبجالی به نام احقاق حق کارگران بر پا می‌شد برآستی هیاو بر سر هیچ بوده است.

نگاهی گذرا به وضع کارگران از نظر چگونگی دریافت مزد و واقعیت تلخ حضور استعمار سیاه را در مین نشان میدهد. در ماه ۲۲ قانون کار که پس از مبارزات طولانی، نظام فاسد پهلوی ناچار به تدوین

و به دلیل فزایندهی این موج بود که دستگاه استبداد، برای خنثی کردن نقش احتمالی کارگران در برپایی تظاهرات اعتراضی آمیز با تغییری در آئین نامه حداقل دستمزد و پیش بینی تبصره‌ای در ماده واحده قانون اجرای طبقه بندی مشاغل، اختیارات تازه‌ای به کارگران اعطا کرد و قرار شد که از سال ۱۳۵۳ هر سال یکبار در حداقل

با توجه به این مسایل، در طی سال‌های گذشته که سندیکا های کارگری در اختیار دولت و صاحبان صنایع قرار داشت و کارگران ناچار به تحمل فشارهای اقتصادی بودند و هر بار که در برابر سختی‌ها و نابسامانی های زندگی بازتابی نشان می‌دادند بشدت سرکوب می گردند که کشتار کارگران جهان چیت کرج را

اقدام انقلابی تعیین حداقل دستمزد، بزرگترین گام در راه توزیع عادلانه در آمد بود

نمونه‌ی تلخی از رفتار های ضد کارگری نظام فاسد گذشته می‌توان نام برد. با سرکوب حاکمیت ضلعلی پهلویانو استقرار نهاد های نوپیمان حکومتی بر مبنای خواست های برحق مردم بی‌باختی ایران، تردید نیست که هم میهنان کارگرما کشیمان بود.

وزارت کار و امور اجتماعی در نخستین نشست شورای عالی کار، قلم‌بطلان بر تمامی شایستگی برخوردار از بیشترین و بنیادی ترین دگرگونی‌ها را با توجه به زندگی فلاکت بار گذشته داشتند که لازمی این تحول خط بطلان بر روی استعمار فرد از فرد معیار ها و ضابطه های گذشته در تعیین

کشتار فجیع کارگران جهان چیت کرج، نمونه تلخی از رفتار های ضد کارگری نظام فاسد پهلوی بود

از این موقعیت موجب گردید که به استناد ماده ۲۲ قانون کار و آئین نامه اجرایی حداقل مزد، تغییراتی در حداقل دستمزد داده شود و باین ترتیب در سال ۱۳۴۷ کشور به منطقه‌ی مزدی تقسیم شد و برای هر منطقه حداقل جداگانه‌ای در نظر گرفته شد که از آغاز سال ۱۳۴۸ نیز به مرحله اجرا درآمد.

حداقل دستمزد اعلام شده که قرار بود

شورای عالی کار توانست اختلاف سطح دستمزد در کارگاهها را کاهش دهد و در بسیاری موارد به هم نزدیک کند.

کارکنان خود پرداخت کرده است از جمله ۷۵۰۰ ریال ۱ افزایش فوق‌العاده شغل و در حدود ۲۴ درصد افزایش پایه حقوق، مانع از اختلاف سطح درآمد بین کارکنان بخش عمومی و خصوصی می‌شود.

با توجه به این نکته‌ها و آنچه در گذشته بر کارگران شریف کشور، تحمیل شده

سال	حداقل مزد در منطقه یک	منطقه دو	خانواده کارگری	فرمول افزایش مزد
۱۳۵۳	۱۰۵ ریال	۹۵ ریال	۲۳۵ ریال	۱۳ درصد مزد سال قبل بعلاوه روزی ۱۲ ریال
۱۳۴۲	۱۳۱ ریال	۱۲۰ ریال	۲۷۵ ریال	یک درصد مزد سال قبل بعلاوه روزی ۲۰ ریال
۱۳۵۵	۱۵۲ ریال	۱۴۰ ریال	۴۴۶ ریال	۳ درصد مزد سال قبل بعلاوه روزی ۲۳ ریال
۱۳۵۶	۱۸۰ ریال	۱۸۰ ریال	۵۳۶ ریال	۳ درصد مزد سال قبل بعلاوه روزی ۲۵ ریال
۱۳۵۷	۲۱۰ ریال	۲۱۰ ریال	۶۵۰ ریال	

توزیع غیر اصولی اسلحه میان گروههای مردم را که با کشتن در سربازخانه‌ها انجام گرفت می‌توان توطئه بزرگی از سوی امیران ارتش دانست که البته

توزیع غیر اصولی اسلحه میان گروههای مردم را که با کشتن در سربازخانه‌ها انجام گرفت می‌توان توطئه بزرگی از سوی امیران ارتش دانست که البته تا زکی ندارد و این تجربه وسیله کشورهای قدرتمند یکبار دیگر در ایران و همچنین در کشور های مختلف اعمال شده است.

مردم که برای جلب نظر برادران ارتشی رفته بودند بادرهای گشوده اسلحه خانه‌ها را برداشته

ارتشی اسلحه دارد پادگانها بگذارند و با مردم همراه شوند، متوجه درهای باز شدند و اینطور تصور کردند که گویا میباید برای برداشتن اسلحه داخل پادگان شوند.

برخی از امیران ارتش عامل اجرای توطئه بودند

می‌آورد که این ارتش، ارتش شخصی شاه است در حالیکه همه چیز حتی وجود شاه هنگامی می‌توانست برای نظامیان اعتبار یابد که به نحوی به استقلال و تمامیت ارضی ایران مربوط شود. نمونه آن که وقتی حادثه حمله به پادگان سنندج در آستانه نوروز ۵۸ پیش آمد تنها با یک سخنرانی نيمساعته که برای آنان ایراد شد و ضمن آن وضع مملکت و پادگان سنندج و اینکه وطن در خطر است تشریح گردید از این همان افراد گارد جاویدان که بشدت مورد حمله انکار عمومی بودند تعداد لازم واطوبخانه حاضر شدند به سنندج بروند و در روز هائی که اگر کشته هم میشدند هیچ کجا نمی‌رفتند و اینها برده نمیشدند در میان آنچه بی‌لباتی و لعن وطن با هواپیما به کوه نشاء و سپس به پادگان سنندج رفتند. در اینجا بحث این نیست که معاصره کنندگان چه کسانی بودند و چه میگفتند و حقانیت با کدام طرف بود صحبت بر سر آنست که انگیزه این افراد برای به خطر انداختن جان خود در آن شرایط جوی چه بوده است؟ اگر اینها جزئی از ارتش خصوصی شاه بودند با رفتن شاه دیگر لازمه وجودی و انگیزه آنان از بین میرفت و با توجه به اینکه مجبور به رفتن به سنندج نبودند چرا به خطر انداختند؟ جز اینست که مین برستی و وطن خواهی آنان را وادار به چنین خطری نمود که هیچگونه پاداشی بر آن متصور نبود چنانکه می‌توانیم آنچه در بران متصور نبود چنانکه می‌توانیم آنچه در

حداقل دستمزد ونحوه افزایش سایر سطوح مزدی کشید و با اقدامی انقلابی بزرگترین گام در راه توزیع عادلانه درآمد برداشته شد.

میزان حداقل دستمزد که از سوی شورای عالی کار اعلان گردید چنان غیر منتظره بود که گروه های مدعی طرفداری از کارگر باهمی تبلیغات گسترده‌ای که در این زمینه برانداخته بودند و خود را بگونه‌ی وکیلان بی‌چون و چرای این گروه عظیم معرفی

سقوط پادگانها در ۲۲ بهمن توطئه بود

نزدیک شدن به مراکز نظامی و نداشتن سپس مردم برای تماس و کنجکاوی در اطراف پادگانها جمع شدن قشیه بنحوی به نمایش گذاشته شد که برای تماسگران این توهم بوجود آمد که آنها پادگانها را فتح کرده‌اند منظره ۳۲ پستی که با کت و کراوات بدون فلکه عسرت آباد می‌بود و به حاضر بود که به عمل تیراندازی بروند و تفنگش را به شخص دیگری میداد تا او استفاده کند پس خنده‌دار و نابلو نمایش برای لکاهی می‌نمود. روی برخی پشت باهما که هیچگونه تسلطی به داخل پادگان نداشت کپها صدای تیری هوایی بلند میشد و جمعیت تماشاچی هراسان به عقب می‌پویندند

مردم که برای جلب نظر برادران ارتشی رفته بودند بادرهای گشوده اسلحه خانه‌ها را برداشته

عامل اصلی شکست سریع شهریور ۲۰ خیانت سرانی بود که از خارج دستور می‌گرفتند و در مرحله بعد روش دیکتاتوری رژیم و انتخاب فرماندهان از زاویه‌های شخصی که سعی میشد اینگونه افراد حتی المقنن بر خطر باشند. به این شکست کمک کرد.

سقوط پادگانها در ۲۲ بهمن بشکلی دیگر بوسیله کسانی که کوچکترین علاقه‌ای به این مرز و بوم و به این ملت نداشتند به وجود آمد از نخستین ساعات صبح روز ۲۲ بهمن ابتدا تعداد کاملا محدودی از افراد مسلح در اطراف برخی از پادگانها دیده شدند که حضور آنها نمیتوانست بی ارتباط با تصمیمات اعلام نشده سران ارتش باشد (اعلامیه بیطرفی ارتش در ساعت دو بعد از ظهر از رادیو پخش شد) زیرا آنان با تعدادی در حدود ۱۵ الی ۲۰ نفری در اطراف هر پادگان و اسلحه انفرادی جرات

۲۰ سال هیچ دگرگونی در میزان حداقل دستمزد قانونی بعمل نیامده و بی گمان این ستم را باید در چرخوب حکومت هائی که بر سر کار آمده مورد بررسی قرارداد و علت را در این زمینه جستجو کرد، کارفرمایان با توجه به روند عسرفه و تقاضای نیروی کار و وجود بیکاری و فقر اقتصادی و نیاز مبرم نیروی کار به درآمد دائمی، پیوسته بیشترین پیسره کشی و استعمار را به این نیروی سازنده و پویا تحمیل کرده و نسبت به تغییر سطح مزد پرغم سیر صعودی قیمت ها هیچ اقدام مثبتی بعمل نیاوردند.

کودکای بیگانه ساختمانی ۲۸ مرداد ۲۲ و

مردم که برای جلب نظر برادران ارتشی رفته بودند بادرهای گشوده اسلحه خانه‌ها را برداشته

ارتشی اسلحه دارد پادگانها بگذارند و با مردم همراه شوند، متوجه درهای باز شدند و اینطور تصور کردند که گویا میباید برای برداشتن اسلحه داخل پادگان شوند.

مردم که برای جلب نظر برادران ارتشی رفته بودند بادرهای گشوده اسلحه خانه‌ها را برداشته

ارتشی اسلحه دارد پادگانها بگذارند و با مردم همراه شوند، متوجه درهای باز شدند و اینطور تصور کردند که گویا میباید برای برداشتن اسلحه داخل پادگان شوند.

استعمار و سلطه صهیونیسم در فلسطین، ریشه‌های صهیونیسم را بگونه نوعی اندیشه و عمل فرهنگی و سیاسی، باید در هنجارهای اجتماعی و اخلاقی مسرد کشورهای اروپایی و گرایشهای ضد یهودی و نژاد گرایانه آنان جستجو کرد این اندیشه رشد یافته در زمینه‌های ارزشی و عملی مغرب زمین، در پیوند با برداشتهای نژادی و خونی موجود در مذهب یهود در گردشی بس کوتاه، بسان عامل اساسی استعمار در دست قدرتهای مسلط غرب قرار گرفت و بهرور چون آلت خشونت آمیز ویران سازی جسامه‌های سرخس بویژه مسلمان، بکار گرفته شد. مقدمات نفوذ صهیونیسم در اواخر دوره امپراطوری عثمانی تهیه شده بود و هجوم سلطه جویانه اروپائیان به افسریقا در سالهای ۸۰-۱۸۷ به ایدن نفوذ تندی داد.

نخستین مهاجران صهیونیست در سال ۱۸۸۲ بگونه آلت سلطه غرب وارد فلسطین شدند. این گروه و گروههای بعدی زیر نامهای گوناگون، در واقع: - علائق مذهبی نسبت به اورشلیم داشتند.

- از اروپائیان که طی تاریخ آنان را تحقیر کرده بودند آزرده خاطر بودند. این دو امر در آنان قدرت جذب در فلسطین را بوجود می‌آورد تا بتوانند بکارهای سخت و سازنده در همه زمینه‌ها از جمله کشاورزی و نظامی دست بزنند.

اروپائیان دست‌اندر کار صهیونیسم نیز میخواستند: - بزعم خود از شر یهودیان و مسالسه سمد در مغرب زمین هائی بمانند.

- با تشویق مهاجرت مسالسه اختلافات مذهبی را در حوزه اسلامی قرار دهند. در تلاوم اختلافات بصورت جنگهای بی در پی، تلاش کنند.

سلطه استعمار مغرب زمین را وسیله یک قدرت نظامی (= سربرازخانه مجرب) در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی پایدار دارند.

در سال ۱۸۹۶ صهیونیسم سیاسی توسط تئودور هرتسل رسماً اعلام شد و سال بعد از آن نخستین کنگره صهیونیستی در شهر بسال (سوئیس) برگزار گردید. هرتسل که از روزنامه نگاران نیمه‌مشهور یهودی مذهب بود، و اعتقادات دینی نیرومندی هم نداشت در سن ۳۶ سالگی (۵۵سالگی از کنگره‌مزدور) بطور دقیق در کتاب معروف «کشور یهود» پایه‌های عقیدتی خود را بیان کرده و آشکار ساخته بود که صهیونیسم را در خدمت چه هدفی می‌تواند قرار دهد.

اگر اعلیحضرت سلطان، فلسطین را به ما واگذارند ما تنظیم کامل امور مالی ترکیه را تصد خواهیم کرد در آن سرزمین برای اروپا در مقابل آسیا سنگری استوار تشکیل خواهیم دادو در مقابل توحش تمدن را نگهبانانی بیش از پلاشه خواهیم داد (۱) صهیونیسم بصورت عامل

بمنقل از یادداشت‌های دکتر ناصر تکمیل همایون

به مناسبت همبستگی بین المللی مسلمانان در حمایت از مردم فلسطین

تمدن مغرب زمین، به «آسیای وحشی» نام نهادو حرکت‌های صهیونیستی طی چند دهه اخیر نشان داده‌اند که همه گاه به ایدن برداشت بی‌بنیاد نژادی گرایش داشته‌اند و با رشای عقده‌های حقارت اجتماعی و تاریخی خود در فلسطین و دیگر کشورهای منطقه از طریق بیهادریهای برتری جویی و فزون طلبی و تجاوز تن داده‌اند.

در سال ۱۹۰۳ پس از قتل یهودیان در روسیه تزاری مذاکراتی بین هر تسل و دولت انگلستان به میان آمد و قرار شد یهودیان آواره به اوگاندا در افریقا بروند. اما در سال ۱۹۰۴ که سال مرگ هرتسل است هفتین کنگره جهانی یهود

کسانیکه به عنوان ملیون یهود معروفند بر دین و منکر خدا هستند و اکثر زعماء نهضت ملی یهود علاقه و توجیبی به مذهب یهود ندارند گویا اشتباه کرده باشیم. (۳) یهودی دیگر بنام سولزبرگر در همان سالهای شروع فعالیت صهیونیستی میگوید: «معنی دموکراسی این است که ساکنین هر کشور حق انتخاب قسوائین و حفظ قدرت قوای خود را داشته باشند و اگر این حق را منحصر به نهضت صهیونی بدیم با توجه به وضع دولتی که در فلسطین وجود دارد اصول کلمه دموکراسی را ایصال کرده‌ایم و معنی علمی این اقدام اختناق ساکنین فلسطین و محروم ساختن



آنها از حق حکومت خود مختاری واجری تبايلات و هوسهای افراد خارجی است. که شاید فلسطین را دیده یا ندیده باشند. (۴) یهودیان دیگری را نیز می‌شناسیم که در فلسطین با اعراب همکاری و مساعدت میکردند و حتی لباس عربی بر تن می کردند و بزبان عربی سخن میگفتند که این عده البته مورد خشم و عناد صهیونیستها قرار میگرفتند و برخی از آنها را بعدها توسط تروریستهای نژاد پرست یهودی، معلوم و سر به نیست شدند. (۵) صهیونیستهای مهاجر با ریشه دواندن در سرزمین فلسطین و استفاده کردن از تراستهای استعماری (۱۸۹۸)، صنوق ملی یهود (۱۹۰۸) دفتر فلسطین (۱۹۰۸) کمپانی برای توسعه و رشد زراعی در فلسطین (۱۹۰۸) اندک اندک دارای قدرت اجتماعی شدند کیبوتصها و موشاوها و هیستادروت کارگران نه تنها بصورت واحدهای کشاورزی و کارگری و بلزونی نهادند بلکه چون سازمانهای نظامی و سیاسی در راه عمل کرد به هدفهای صهیونیستی گسترش یافتند.

این قرار را رد کرد و جز فلسطین سرزمین دیگری را نپذیرفت و این خواسته که نوشته‌های هرتسل نیز مطابق است با میگوید: ما باید به نسبت پیشرفت بازرگانی خود، بدی راه پیدا کنیم نیز باید مالک زمینها بسطیرر دامنه باشیم تا کشاورزی جدید خود را در مقیاس بزرگ در آن زمین اجرا کنیم شعار تبلیغاتی ما باید چنین باشد «در فلسطین داود به سلیمان و سلط آن از دود نیل تا شط فرات» (۲) یهودیان وارد شده در فلسطین، بهرور زعیماهای را خریدندو یا بشیوه‌های گوناگون تصاحب کردند در آنجا «مستعمره» درست کردند.

مهاجران تازه‌وارد در سالهای نخست مهاجرت برخی فقط دارای عقیده مذهبی بودند که البته مورد احترام اعراب فلسطینی قرار میگرفتند. آنان بارش مقدس و زیارت اماکن مذهبی علاقمند بودند و بیچوجه بمساله اقامت خود جنبه سیاسی نمی‌دادند و باصطلاح خودشان ملت را از کلمه «یهودیت» دور میکردند و فقط آنرا مذهب میدانستند و بروشنی بیان میکردند که یهودیان در هر جای دنیا باید هرزک جامعه و ملت آن جامعه شوند.

اما گروهی که «یهودیت» را سپر عقاید سیاسی صهیونیستی خود قرارداده بودند غالباً دین و ایمان نداشتند و بقول یکی از یهودیان همان روزگار بنام شیف: «اگر بگویم که صدی پنجاه تصادف هفتاد

به مناسبت همبستگی بین المللی مسلمانان در حمایت از مردم فلسطین

عربی را بسود صهیونیست‌ها درگروم ساخت. در دوم نوامبر ۱۹۱۷ اعلامیه بالفسور انتشار یافت ودر آن طبق ماده چهار وعده تاسیس «کانون ملی» برای یهودیان داده شد واز اعراب فلسطین که صاحبان اصلی آن سرزمین بودند تحت عنوان «اقوام غیر-یهودی» نام برده شد.

در همین سال اترانس یهود سه رسمیت شناخته شد و مهاجرت شدت یافت در چنگ جهانی اول شورای عالی متقین قیومیات فلسطین را به دولت انگلیس داد ودر ۲۲ ژوئیه ۱۹۲۲ این سمت نامبارک از طرف شورای مجمع اتفاق ملل به دولت استعمارگر بریتانیا ابلاغ شد.

این دولت بی آنکه توجیبی سه خواستهای صاحبان اصلی این سرزمین داشته باشد، با وارد کردن مهاجران صهیونیست به فلسطین ویا ربا کارانه با فراهم آوردن تسهیلات لازم، طبق ماده ششم اعلامیه بالفور روز به روز مقدمات تسلط صهیونیستها را به گونه ستون پنجم استعماری خود، تهیه دید.

نگاهی به آمار جمعیت یهودی فلسطین موج مهاجرت‌های حساب شده را تعیین میکند. (۶).



میگشت. کیبوتصها و موشاوها که ظاهر واحد های کشاورزی بودند، بهرور شکل نظامی اخذتری پیدا کردند، سازمانهای نظامی هاگانا و پالماخ که انگلستان در تاسیس هر دو آنها دخالت داشت. و نیز گروههای تروریستی اشترن و ایرگون که دولت استعماری بریتانیا وجود آنها را نادیده میگرفت بر شدت عمل خود افزودند. اعتراضهای اعراب با اینکه اتحاد و سازماندهی نداشتند، در سالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۳۳ موفقیتی طولانی در فلسطین بوجود آورد.

از سال ۱۹۳۷ مقاومت مسلحانه نیز در جامعه فلسطین شکل گرفت. در سال ۱۹۳۸ انگلستان طی کنفرانسی بلگر تقسیم فلسطین اتقاد. این کنفرانس با اینکه از طرف دولتهای اترجایی عربی مورد قبول قرار گرفت اما فلسطینیها آنرا شدت رد کردند.

در ۱۷ ماه مه ۱۹۳۹ دولت انگلستان با انتشار کتاب سفید، تشکیل دولت مستقلی درصدا بکل جمعیت

زمان	عدد یهودیان	فلسطین
قبل از مهاجرت (۱۸۸۲)	۲۴۲.۰۰۰	۵
۱۹۰۴	۲۰۰.۰۰۰	۱۲/۵
۱۹۱۴	۹۰.۰۰۰	۱۴
۱۹۱۸ (خروج)	۵۵.۰۰۰	۹
۱۹۲۳	۹۰.۰۰۰	۱۲
۱۹۳۱	۱۷۵.۰۰۰	۱۷
۱۹۳۹	۲۴۵.۰۰۰	۳۱
۱۹۴۸	۶۵۰.۰۰۰	۳۵

دولت بریتانیا سرعربوت ساموئل یهودی را به سمت کمیسر عالی فلسطین انتخاب کرد و یکی دووازه های فلسطین را به دوی صهیونیستها باز کرد بود مورد اعتراض شدنه مردم عرب قرار گرفتو از سال ۱۹۲۱ شورشهای فلسطین شروع شد.

چیروایزمن - داوید بن گوریون، موشه شرتوک و بسیاری از رهبران صهیونیسم از همین روزگار دبقادر رابطه باسیاستهای انگلستان کوششهای خود را نظم دادند. بویژه اینکه در سال ۱۹۲۲ با صدور اعلامیه چرچیل، مسالسه تاسیس «کانون ملی» یهود در فلسطین قدرت بیشتری پیدا کرد.

زمینهای اعراب بیش از پیش توسط صهیونیستها اشغال میشد و برخی از نقاط حساس و استراتژیک به نیرنگ خریداری

دولت بریتانیا سرعربوت ساموئل یهودی را به سمت کمیسر عالی فلسطین انتخاب کرد و یکی دووازه های فلسطین را به دوی صهیونیستها باز کرد بود مورد اعتراض شدنه مردم عرب قرار گرفتو از سال ۱۹۲۱ شورشهای فلسطین شروع شد.

چیروایزمن - داوید بن گوریون، موشه شرتوک و بسیاری از رهبران صهیونیسم از همین روزگار دبقادر رابطه باسیاستهای انگلستان کوششهای خود را نظم دادند. بویژه اینکه در سال ۱۹۲۲ با صدور اعلامیه چرچیل، مسالسه تاسیس «کانون ملی» یهود در فلسطین قدرت بیشتری پیدا کرد.

زمینهای اعراب بیش از پیش توسط صهیونیستها اشغال میشد و برخی از نقاط حساس و استراتژیک به نیرنگ خریداری

زنده کرد در حالیکه رهبری آنان در آن لحظات بحرانی با توجه به اینکه بادشمن هم دوبرو نبودند میتوانست از بروز آنچه که اتفاق افتاد جلوگیری کند. اصولا بکار بردن کلمه «بیطرفی» از طرف ستاد ارتش کاملا حساب شده و جنبه منفی آن مورد نظر بوده است زیرا کلمه بیطرفی تکلیف واحدها را روشن نمیکند و باعث بلا تکلیفی و سرگردانی افراد میگردد و تنها اعلام همبستگی توام با مذاکره با کمیته اسام میتوانست اثر مثبتی داشته باشد، ردیای ژنرال بیگانه و خیانت قره‌باغی و همکاران ستاندیشش در نحوه سقوط پادگانها کاملا مشهود بود. سقوط پادگانها بدین شکل علاوه بر بخش قابل توجهی اسلحه بین مردم که مشکلات بعدی را تشدید کردو میکند کسانیکه بغاظر کسری یک سوگت شتنگ دادگاهی میشدند شاهد غسارت هزاران قبضه اسلحه شدند، انقباض بکلی ازهم گسست و افراد زیادی برای همیشه فراری شدند واز همه بدتر تنزل روحیه به پایتین ترین درجه خود رسید و اگر در نظر آوریم که با وجود سلاجیه مدرنو اتوماتیک هنوز هم روحیه صهیونیسم قواست به اهمیت مسووع بیشتر واقف خواهیم شد در زمانی اینچنین شد که بیش از هر موقع به ارتش مشگل نیاز بود. بین این حادثه و شهریور ۲۰ ازیک نظر کاملا مشابه وجود دارد و آن خیانت و رها کردن افراد و پادگانها توسط ستاد بوده است کسانیکه میبایست در کنار افراد

بقیه از صفحه ۲ آمد و از برخی جهات منجر به کاهش نسبی فشار ختمی گردید به نوعی که برخلاف گذشته بدخواست‌های نظامیان کتوجه بیشتری کردند و تقاضاهای انتقالی و حتی استعفاء نیز پذیرفته شد به امید آنکه با خسارچ شدن نساواشیان بتوانند کنترل بیشتری بر واحدها داشته باشند اما کم کم هوسباری و آگاهی نظامیان از اوضاع با خازنه پادگان کویران ظاهر شد و با اعتراضات پرشتل هوایی بهادوچ خود رسید و روحیه افراد برای قرچه‌ای آماده شد اما کمبود شدید بقایای نفرت یکی دوسازمان مسلح و عدم وجود اسلحه در دست مردم سقوط پادگانها را مشکل می‌کرد که آنهم با دگریری واحدهای مستقر در پادگان مرکز آموزشهای هوایی با پرسنل نیروی هوایی و بخش اسلحه این نقیصه برطرف شد. با اینحال بخش خبر نادرست حمله لشکر گارد به قصر فیروز از تلویزیون و سپس اعلام لفظه به اعظه محاصره شدن مجاهدین در سلطنت آباد بوسیله گوینده رادیسو و تلویزیون، باعث شدن ماجرا را در پی داشت که بعدا معلوم شد هر دو خبر کذب محض بوده است و منظره خیابانها بسا آنچه تفکیکی که بطرف سلطنت آباد می رفتند کاملا انقلابی بنظر میرسد. قبل و بعد از اعلام بیطرفی از جانب ستاد ارتش اغلب فرماندهان پادگانهای مرکز با ترک محل خدمت و بلا تکلیف گذاشتن افرادی که فقط با دستور سریع میتوانستند متشاه آتری باشند عملا خاطره شهریور ۲۰ را

سقوط پادگانها در ۲۲ بهمن ...

خود میمانند با رها کردن آنان میربجوی بر بسیاری از باورهای افراد خود ژوندچگونه و چندر زمان خواهد خواست تا اعتماد از دست رفته بازآید آیا ایشان مستحق مجازات بودند یا سربازان وظیفه و بساز چندر اصمد نخچوان سربازان پادگان مرکز را در شهریور ۲۰ مرخص میکند با زمانیکه شویم این بار با تصویب هیات دولت خدمت نظام وظیفه ۲ سال بسه ۱ سال تقلیل یافته و بیش از نیمی از سربازان مرخص میشوند و بعادت خدمت قبلی بونن تصویب نامه سربازان باقی مانده نیز آموادگی خود را از دست میدهند تنها فرق موضوع اینست که لاول سرتلگر احمد نخچوان باتهام خیانت محاکمه شد اما این بار دولت ای عمل را بحساب خدمات خود گذاشت و پیشبهاد عهده قهرمان ملی شد!!

تمام سردرگمی هه نام‌آهنگها و در نتیجه تشنجات بعد از انقلاب بعلت عدم اتکاء حاکمان جدید بوجود یک سازمان سیاسی و نظامی قوی با تجربه بود درحالی که اگر با خود یک سازمان سیاسی بسا تجربه میداشتند تا امور سیاسی را اداره کند و همراه با آن سازمان نظامی ادگان حکومت و امنیت را حفظ میشود مسلما آنچه مسلم است قوانین ارتش نتیجه

این تصویب نامه که شه انسانی سر- از اعلامیه بالفور بود، اعراب فلسطین داد موقعیت خطر ناکی قرار داد.

در ۲۰ آوریل ۱۹۶۶ دو امپریالیسم جهانخواه، امریکا و انگلیس در مسرد فلسطین و آینده آن کمیته تحقیق تشکیل دادند و حل مسالسه را به سازمان ملل متحد محول ساختند.

سازمان ملل متحد از ۲۸ آوریل تا ۱۵ مه ۱۹۴۷ بمطالعه و بررسی مسالسه پرداخت و طرح تقسیم فلسطین را فراهم کردید و در نوامبر ۱۹۴۷ بدون د نظر گرفتن موازین عدالت و حق تاریخی و انسانی اعراب فلسطین طرح ناپراب تقسیم فلسطین از طرف اکثریت اعضای کمیته توصیه گردید. اول اوات ۱۹۴۸ روزپایان قیومیت انگلستان اعلام شد و طبق خواست سازمان ملل متحد، می بایستی از فرای آرزو طرح ظالمانه تقسیم فلسطین عملی گردد.

کمیته عالی اعراب فلسطین در ششم فوریه ۱۹۴۸ رسماً اعلام کرد « هرگونه اقدامی که از طرف یهودیها یا دول دیگر بمنظور تشکیل دولت یهود در سرزمین اعراب بعمل آید تجاوز تلقی خواهد شد و باسرحق دلاغ مشروع با قوای قهریه از آن جلو گیری بعمل خواهد آمد.» (۷)

دفاع از حق مشروع، یا حاکمیت ملت فلسطین بر سرنوشت خود، هنوز هم ادامه دارد و جنگهای متعددی را بوجود آورده که در رابطه بانهضت مقاومت فلسطین، یکی از چشمگیر ترین حرکت‌های تاریخ معاصر بشری است.

۱- مسالسه فلسطین، گزارش کنفرانس حقوقدانان عرب در الجزایر ترجمه اسدالله مبشر چاپ دوم ص ۵۷

۲- همانجا ص ۵۵

۳- لنجانسکی (ژرژ) - تاریخ خاورمیانه ۴- همانجا

۵- در سرتاسر جهان، پارهای ازییشوایان مذهب یهود، با صهیونیسم از درمخالفت درآمدند. حرمان ادلر حاخام بزرگ انگلستان در سال ۱۸۷۸ رسماً اعلام کرد: «ما یهودیان از نظر سیاسی موافق کشور هائی هستیم که در آنجا زیست می-کنیم. ما فقط انگلیس یا فرانسوی یا آلمانی هستیم و مسلما دارای عقاید دینی مخصوص یهود می باشیم اما با اینهمه با هوطنانی که آهینی دیگر دارند تفاوتی نداریم ما برای پیشرفت میهنی که در آن زندگی می کنیم با آنان همگام و دستیاریم و اخلاق حق و اجرای تعهدات آن هوطنان برعهده ماست.»

ویس حاخام آمریکائی نیز در سال ۱۸۸۳ همین مطلب را پذیرفت و در قطنامه سال ۱۸۸۵ کتکره یهودیان (نه صهیونیستهای یهودی) که در امریکا تشکیل شد چنین آمده است: «ما یهودیان خود را به عنوان ملت نمی-دانیم بلکه فقط قومی دینی هستیم پس، به یازگشت به فلسطین نظری نداریم و نمی-خواهیم هیچیک از قوانین یهود را زنده کنیم» برای آگاهی بیشتر به کتاب مسالسه فلسطین ص ۲۷ مراجعه شود.

۶- اعراب در اسرائیل (مجموعه کرامه) ۷- تاریخ خاورمیانه (فصل اسرائیل)

۱- مسالسه فلسطین، گزارش کنفرانس حقوقدانان عرب در الجزایر ترجمه اسدالله مبشر چاپ دوم ص ۵۷

۲- همانجا ص ۵۵

۳- لنجانسکی (ژرژ) - تاریخ خاورمیانه ۴- همانجا

۵- در سرتاسر جهان، پارهای ازییشوایان مذهب یهود، با صهیونیسم از درمخالفت درآمدند. حرمان ادلر حاخام بزرگ انگلستان در سال ۱۸۷۸ رسماً اعلام کرد: «ما یهودیان از نظر سیاسی موافق کشور هائی هستیم که در آنجا زیست می-کنیم. ما فقط انگلیس یا فرانسوی یا آلمانی هستیم و مسلما دارای عقاید دینی مخصوص یهود می باشیم اما با اینهمه با هوطنانی که آهینی دیگر دارند تفاوتی نداریم ما برای پیشرفت میهنی که در آن زندگی می کنیم با آنان همگام و دستیاریم و اخلاق حق و اجرای تعهدات آن هوطنان برعهده ماست.»

ویس حاخام آمریکائی نیز در سال ۱۸۸۳ همین مطلب را پذیرفت و در قطنامه سال ۱۸۸۵ کتکره یهودیان (نه صهیونیستهای یهودی) که در امریکا تشکیل شد چنین آمده است: «ما یهودیان خود را به عنوان ملت نمی-دانیم بلکه فقط قومی دینی هستیم پس، به یازگشت به فلسطین نظری نداریم و نمی-خواهیم هیچیک از قوانین یهود را زنده کنیم» برای آگاهی بیشتر به کتاب مسالسه فلسطین ص ۲۷ مراجعه شود.

۶- اعراب در اسرائیل (مجموعه کرامه) ۷- تاریخ خاورمیانه (فصل اسرائیل)

حالیکه از نظر کارائی، دلسوزی و علاقمندی به حفظ شرافت شغلی چیزی نگمانشته‌اند و اگر از مجموعه تلاش‌های آنان در مسیر شایسته‌ای استفاده نشده است آنها مقصر نیستند این دهه‌نگاه رهبری بوده که با پارتی بازیها و فساد در سطح بالای ارتش ایراد وارد است ربطی بسه قوانین ارتش ندارد، ابتدا باید این مسائل را روشن کرد و خط مشخصی بین دوست و نادرست کشید تا نظامیان از بلا تکلیفی و تسرید خارج شده و بتوانند برپایه دوشن و مشغص تطبیق یافته و خود را بازیابند باید با در نظر گرفتن واقعیات مشکلات آنان را برطرف کرد و در نظر داشت که ارتش آخرین پایگاه استقلال هر کشوری است و نباید اجازه داد تا تزلزل در ادگان آن پدیده آید. باید برای جلوگیری از خیانت راهی جست و باید از حوادث گذشته تجربه آموخت و مسلما مجازات مسببین حقیقی میتوانست از یک جهت موثر باشد.

همیشه سنگینی بار بر دوش رده‌های قبل از امری و مزایا ارت ایران بوده است بعد از ۳۰ سال خدمت وقتی به چیره آنان بنگرید سالها بیش از ششاد بیرو فرسوده‌اند از داخل سوخته و از خارج با سبلی صورت خود را سرخ نگاه داشته‌اند همیشه در بدترین شرایط عمر و زندگی دا در مقابل مبلغ ناچیزی گذرانیده‌اند و در سرمای ۲۰ درجه زیر صفر و گسرمای ۵۵ درجه زندگی را بیابان برده‌اند و از خارج مورد انتقاد بوده‌اند که گویا بدون انجام کار مثبت پول زیادی دریافت میکنند در

جبهه ملی ایران
صاحب امتیاز: مهندس حسین اخوان
سر دبیر: پروانه فروهر
زیر نظر شورای نویسندگان
خیابان سیند شماره ۲۶ - طبقه سوم
تلفن: ۸۹۸۳۱۷
چاپ خوشه ۳۱۸۵۶۴۵

پایان جنگ ناخواسته

بقیه از صفحه اول
گرمای آنسوی مرز شتافتی و به ارتش تجاوزگر عراق شوریدی نیروی تو دداین شرایط سخت و سرنوشت‌ساز مهین بیاید فزایندهی قدرت ارتش ملی باشد و با یاری او به سرکوب دشمنان ایران بپردازد. حالا بجای آنکه دروغگوی دیروز باشییم بهجراتش التیام بخش زخم‌های یکدیگر گردیم.

حضور ارتش را بگونه‌ای استواردهندی راستین نظم و حافظه‌کویت ملی پشناسیم و برای پایان دادن به ناپسانمانی‌ها و تنگناها یاری او را بجان پذیرا گردیم. برای حفظ همبستگی ملی، بهرودی از خودگردانی را اصلی مسلم بدانیم و به یاد داشته باشیم که فرهنگ ملی دبرگیرندهی همه‌ی یاد فرهنگ‌هاست.

هر یک در هر جایگاهی قرار داریم، خود را قلم دیگری ندانیم، سیستمات و تهرانی و مازندرانی و خراسانی و کرد و بلوچ و آذربایجانی همه ایرانی و باید بگوییم برابر بروخودار از مسوویت‌های سرزمین اجنادی خود باشیم. سیستم تمرکز هه امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تهران باید از بین برداشته شود و

اعلامیه حزب ملت ایران

است که میتواند در برگزیده بیشترین بخش از خواستهای تاریخی ایرانیان باشد و قدرت آنرا دارد که استقلال کامل کشور را عهده بار همه آزادیهای فردی و اجتماعی مردم، تامین نماید و روابط اقتصادی جامعه را به راستی دگرگون کند و به پرسی های استعماری پایان بخشد در همه پرسی یازدهم فروردین ماه یکپارز و سیهه و و پنجاههشت به برقراری رای داده و آنتون نیز با همه نیرو به دفاع از دست‌آوردهای انقلاب برخاسته است. وایستگان حزب ملت ایران در «روز بنیاده» که همواره آنرا خجسته میارند در پیشگاه آفریدگار پالو در برابر مردم آماده کرده سرزمین پیمان می‌سپارند تا جان در بن دارند جسول ارزشهای انقلاب را پاسداری و در راه آزادی و آبادی ایران کوشش کنند.

حزب ملت ایران با اینکه در حرکت نوین خود در خط سازندگیی آرمانی و سازندهی تمام برمیباد یکبار دیگر همه حزبپا و سازمانهای سیاسی را فرا میخواند که به رغم انحصارطلبی‌ها و اخلاک‌گرپا در یک «اتحاد بزرگ» برای حفظ جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه امپریالیستپا و ارتجاع زخم‌خورده داخلی شرکت‌جویند و با همبستگی هرچه بیشتر دشمن را سرکوب کنند. انقلاب اسلامی ملت ایران بکسب رسالت تاریخی خود باید در چهار گوشه جهان به پشتیبانی از جنبش‌های ضد امپریالیستی ملتپا بسخریزد و بخصوص وظیفه دارد مردمی را که در پرونده‌های ناکامستی با دیگر ایرانیان هستند و در آنسوی مرزهای قراردادی گزنی در برتو آموزشهای گرانقدر دینی و پیروی از رهنمودهای ارژشمنده امام خمینی برای رهائی از زر ستم پیاخته‌سازان، یاری دهد.

اتحاد بزرگ همه نیروهای وفادار به انقلاب بر شک میتواند در انجام این وظیفه تاریخی که وابستگان حزب ملت ایران سالیان دراز است در تدارک آن بسر می‌برند سهم اساسی داشته باشد. فزوتتر باد همبستگی همه نیروهای انقلابی ایران فرخنده‌باد «روز بنیاده» سروز آغاز راستین شناخت نیازهای ملی

یازدهم شهریور ماه یکپارز و سیهه و پنجاه و هشت دبیرخانه حزب ملت ایران

این حزب در دوران پر فراز و نشیب نهضت ملی ایران به پیروی از تهری خردمندانه مسدق بزرگ، هموار در صف مبارزان با دستگاه‌استبداد وابسته به بیگانه سرسختانه ایستاد و پس از کودتای بیست و هشتم مردانه یکپارز و سیهه و سی‌دو، با داشتن کوششهای ویژه خود در «نهضت مقاومت ملی ایران» و در جنبه ملی ایران به همگامی با دیگر سازمانهای سیاسی استقلال‌طلب و آزادیخواه ادامه داد.

در سالهای افزونی اختناق و شدت سلطه امپریالیستپا بر مهین بسا اینکه آسیب‌های فراوانی بر سازمان و نیروهای انسانی آن وارد آمد، مرکز صحنه نبرد با دشمنان مردم را ترک نکرد و با گسترش یکپاردهی رهبری بخش ملت ایران که اعتقادهای دینی توان‌انزای آن بود برای استقرار حاکمیت ملی به یاری چند حزب نخست «اتحاد نیروهای جنبه ملی ایران» را ساخت و سپس سازمان جدید «جنبه ملی ایران» را پدید آورد و در تلاشهای یکپارچه ایرانیان که به رهبری «امام خمینی» برای واژگونی «نظام سلطنتی» انجام گرفت و انقلاب اسلامی ملت ایران را به پیروزی رساند صمیمانه شرکت جست

حزب ملت ایران با اعتقاد راسخ به اینکه «جمهوری اسلامی» چنان نوع حکومتی

باز یافت معنویت گمشده و هویت از یاز رفته و اصالت های ملی جامعه است . مگر می شود بدون گنگاش در مسائل معنوی و همبستگی مردم با هم درلوی یک نظام اخلاقی ، به پیشرفت دست یافت ؟ جلول ارزش های اجتماعی باید دگرگون شود و اخلاق و معنویت به اجتماع بازگردد و این بی گمان با تحمیل عقاید ارتجاعی که در نظام های فاشیستی و کمونیستی به مردم تحمیل می شود تفاوت بسیار دارد .

اغلب اتفاق می افتد که توده های ملتی از نظر عینی به دگرگونی شخصی نیازمندند اما آنها از نقطه نظر ذهنی قادر به تصور چنین احتیاجاتی نمی باشند . در چنین شرایطی نظام آموزشی بزرگترین یاری دهنده است تا جامعه را بسوی آگاهی سیاسی رهنمون گردد ایمان به اینکه پیشه اصلی انسان به اعتلا رسیدن است و در وحدت می توان به آزادی رسیدن یافته داروشن و باشکوه ترسیم می کند.

جدول ارزش

بقیه از صفحه اول
تهدید باشیم و نتیجهی کارمان به خودمان تعلق نداشته باشد ، هرگز انسانی کامل واقع نشدو صاحب‌هویت نخواهیم بود و در حقیقت برای نائسان کردن خود کوشیده‌ایم . و بهمین دلیل است که انسان مسئول اسارت و آزادی خویش است . در میان لیبب و تعفن بردگی روح خویش و در برابر ظلمات فقر و فاقسیم ، زور و میلیتاریسم و خون جنگ و آتش ، آزادی ودهای مفهومی مسخ شده خواهندداشت در یک نظام بسامان و انسانی و مبتنی بر- نیاز های ملی همان اندازه که یک رهبر مسئول و متعهد است ملت نیز چنان است و هر دو باهم درراه سازندگی جامعه باید گام بردارند و دلسوزی رهبر و شرکت سیاسی مردم ، همه‌اش در جهت یافتن جامعه آزاد و آرمانی پیشی رود و روحیه ملی باز سازی می شود و این برپایه



دکتر محمد مکری سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوئوی روز دوشنبه به تهران آمد و مورد استقبال داریوش قسروهر و خسرو سیف وتی چنداز رهبران حزب ملت ایران قرار گرفت.

پای خود را جای پای پهلوی...

بقیه از صفحه اول
امام خمینی فراهم کردو حتی اقدام به محاصره منزل ایشان و جلوگیری از ملاقات مردم با امام نمود بنحوی که ایشان ناگزیر به ترک خاگ عراق شدند . از یاد نبرده‌ایم که دولت نژاد گرای بعضی چگونه روحانیون مبارز را در زندانهای مغوف خود به شکنجه کشید و از روشنگری و افشاشگری آنها در باره جنایات عمال بعث جلوگیری کرد و حتی چند روز قبل نیز ۱۲ تن از روحانیون شیعه را از خاک خود اخراج کرد. حالا که انقلاب ما به پیروزی رسیده‌است و شعارمان حمایت از ملت‌ستمدیده دنیاست چگونه می توانیم از احقاق حق هممیبندان ایرانی خود در عراق بگذریم .

نامه سرگشاده

بقیه از صفحه اول
آقای بازرگان اجواب افسران شهربانی که می‌خواهند قانون را اجرا کنند به مردمی که تنها یکروز دیرتر از موعد مقرر شده گنارنم‌شان را تحویل می‌دهند چیست؟ آقای نخست‌وزیر دولت انقلابی شمشکونجی از این مسئولان نظم در برابر قسوت‌های مخفی پشتیبانی می‌کند، آباشما آنها را تنها رها نکرده‌اید، آیا هنگامی که از انقلابی بودن دولت سخن می‌گوئید هیچ فکر هستیید که ارتشید اویسی هم ممنوع‌الخروج بود و رفت و باقیمانده آبروی رژیم آبرو باخته را عم بباد راد . باید از دولت انقلابی که نخست وزیر آن بیان می‌کند که بساری تصرف دستکامهای دولتی و اداره کرنن مملکت و رفراونوم قانون اساسی و مجلس موسسان و سپس انتخابات مجلس بعدی ساموریت یافته است این پرسش شود که آقای نخست وزیر آیا شما انتخابات مجلس خیرگان را جدی گرفتید و یا اینکه موج اعتراضات به گوش شما نرسید، اگر بگوش شما چیزی نرسیده است باز هم مفسر اصلی دولت است که پس از دهها و بدون لبت در مکانی قانونی، کسانی به کابینه راه یافتند که هنوز آگاهی کافی به مسائل مملکتی نداشتند و در نتیجه نگذاشتند گوش شما از فریاد اعتراض مردم صدمه ببیند.

آقای بازرگان در همان رسانه‌های کمترین پیام شما را چاپ کرده بود که عنوان کرده بودند اگر به نظر بعضی‌ها کار انقلابی زدن و کشتن و خراب کردن است، بله، ما انقلابی نیستیم» اگر تنها به خوانن پیام خود اکتفا نمی‌کردید و صحنه بعد را نگاه می‌کردید منظره زشت تخته شلاق و جمعیت را می‌دیدید که در جوان و شلاق می‌زدند، هر روز در نقاط مختلف شاهد «تاتار» شلاق زدن توسط کمیته‌ها هستیم.

آقای نخست‌وزیر شایع است که در بعضی شهرستانها اگر فردی اطلاع کامل نکند او را تیرباران می‌کنند و طاعت زنا و یا زنا می‌محسنه هم روی آن می‌گذارند که به فرض اگر هم ببینیم که جرم واقعا زنا بوده است، آیا حتی در قانون اسلام می‌توان اینطور بدون ملوک کلام مردم را تیرباران کرد.

براستی آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

براستی آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

براستی آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

براستی آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

براستی آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

براستی آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

براستی آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

رنزدانی

بقیه از صفحه اول
نه سیزده سال!! و این سن از دیدگاه من به نام يك مادر و يك معلم که در این هر دو راه تجربه فراوان ازسخته و هر تغییر و دگرگونی با هزاران دلیل و برهان در ذهنم زبرورو شده‌اند بویژه در میان پسرها نهی تراندسال‌های بحران و ناپسانمانی نام گیرد. حضور مادر در چارچوب خانواده و معلم زن در چارچوب مدرسه بزرگترین پناگاه روحی کودکان است و من یک پسر بچه سیزده ساله را براستی گمراه می‌دانم که نه‌فقد و بالای معلم عیجان های روحی او را برمی‌انگیزد و نه حرکت‌های مادر و این هر دو بطور دقیق در ذهن او دارای يك جایگاه معنوی و مادی هستند.

این حصار کشیدن‌ها، صفت‌بندی‌ها و نام‌گذاری‌ها، آقای وزیر آموزش ای‌دهای وحشتناکی خواهد داشت. اینقدر بفرموده‌ایم مسائل را داوری نکنید که در این فلسفه در میان روانشناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان قرن ما بارها و بارها خط بطلان کشیده شده است.

انسان را از يك بعد نگریستن، دیگر واقعیت‌های زندگی او را نادیده انگاشتن نه کاری است علمی و قابل پذیرش و شما گویا پسر جایگاه دانش این سرزمین تکیه زده‌اید و سراسر آموزشی مبین‌سوختی ما را بعهده گرفته‌اید!!

من در جنوب شهر، آنجا که به حکم اجبار و از روی نهایت‌الاسوس یک خانواده‌ی پنج شش (شاید بیشتر) نفری زیر يك سقف زندگی می‌کنند و بچه‌ها بناچار از همه رابطه‌های خانوادگی آگاهند نه یکبار

آقای نخست‌وزیر گفته می‌شود و ناقص هم نمی‌گویند که در بعضی شهرها عوامل سوجدوی قبلی که در دولت رژیم گذشته به امر چپاول ملت اشتغال داشتند رئیس یا مسئول کمیته هستند و آشکارا می‌کنند آنچه را که هم شما می‌دانید و هم دیگر مردم کشور ما و شما در برابرشان سکوت را انتخاب کرده‌اید.

چندی پیش رئیس بانک مرکزی اعلام کرد که سیاست ارزی کشور مورد تأیید او هم نیست و چنان می‌گفت که می‌فهماند دولت هم قادر نیست او را یاری دهد و در اینجا باین سؤال مطرح است که در مورد سیاست ارزی کشور چه کسانی تصمیم گرفته‌اند هستند. در همین مورد فرار بود سیمیناری از افراد با تجربه بگفته مسئولان- تشکیل شود و سیاست پولی کشور را بررسی و طرح ارائه دهند. دو روز قبل از تشکیل سمینار اعلام شد که چون در ابتدا بساید مجلس خیرگان سیاست پولی را تهیه کند و سپس کارشناسان طرح ارائه دهند که مبدا با سیاست تعیین شده از سوی مجلس خیرگان منافات داشته باشد تشکیل این

سمینار به بهمن‌مکول شد. آیا این تهرود برای نخست‌وزیر دولت انقلابی پیش نیامد که متخصصان امور پولی کشور می‌توانستند نیاز واقعی کشور را دریابند و این طرح در مجلس خیرگان تصویب شود تا اینکه در مجلس که بعضی اعضای آن افتخار می‌کنند که ملوک ششم ابتدایی دارند در پسهاره سیاست پولی چیزی نیست که بتوان آن را

را به راه اصلی پیآورد و یا به ناسابودی کشانه تصمیم‌گیری شود. آقای نخست‌وزیر امیدوارم اگر این مطلب را می‌خوانید «مقال صادقانه در نزد خود اعتراف کنید که سیاست است و شما عامل این سیاست سانه پنداشت بقای يك نظام در گروی این سیاست است و شما عامل این سیاست هستید.

آقای نخست‌وزیر مردم ایران ناراضی بودند که چرا شاه نرخ برابری دلار را ثابت نگذاشته است و او را امریکایی می‌خواندند و اکنون نرخ دلار نه تنها ثابت مانده است بلکه تقریباً به مرز دو برابر رسیده است و مطمئن هستیم که رئیس بانک مرکزی منتخب شما از این وضع راضی نیست‌لیکن اختیاری در این مورد ندارد و شما هم به داندید و اگر اعلام نمی‌کنید اشکال دیگری در کار است ولی مردم همه داژ چشم‌دولت می‌بینند زیرا تاکنون در همه نقاط دنیا چنین عمل شده است.

آقای نخست‌وزیر در رسانه‌های خواندم که تکبپهان هتل هیلتون از سوداخ کلیسد داخل اتاق را نگاه کرد چون مرد خارجی‌ای زنی مشغول عمل منافی عفت بسود اعضای کمیته را خیر کرد و آن خارجی را دستگیر کرد. بدون اینکه عمل مرد خارجی را صحنه بگذاریم آیا در دولت شما مردم در اتاق هم کنترل می‌شوند، باور کنید جناب‌عالی که مردی می‌بازد بگوید کاملاً تأیید دارید که سواک ملوک هم هرگز چنین نکرده بود.

آیا شعاع عقول من کنترل‌ها بلاخلاق خانه مردم گسترش نمی‌یابد. اگر از من پرسش شود خواهم گفت با سکوت دولت چرا، حتماً هم چنین خواهد شد.

براستی آقای بازرگان آیا رساله صریحه

آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

و صدبار که هر روز و هر ساعت شاهد صمیمانه ترین رابطه های پاک و مطسرو انسانی پسر بچهی مدرسه راهنمایی باخانم معلم و با مشاور مدرسه بوده‌ام و این رابطه به حکم طبیعت آرام و صبور زن ایستاد می‌شود نه به حکم جنسیت او!! و برعکس هرگز شاهد درد دل دانش‌آموزی با معلم مردش نبودم، و این اثرات نیست عین واقعیت است.

وجود معلم زن، بسیاری از خشونت‌های آقایان را جلوگیری می‌شود. چنانکه حضور مادر در خانواد.

آقای وزیر! هنوز در همین تهران بسیار پیشرفت ما! دانش‌آموزان راباشلیک‌صبح زود زمستان تنبیه می‌کنند و دست‌های نازک و پیربانی نکشیده‌ای او را بکوبد می‌نمایند! در چنین فضای ضرورت حضور معلم زن بگفتهی مادر حیاتی است این رفتارهای ضد تقیض به کجا می‌انجامید!

وقتی برای زن در جایگاه يك معلم آزادی گزینش قائل نیستند، چگونه این نیم‌بویا و معتد و عاشق جامعه، این زنها که سینه سپر بلا کردند، به میدان‌شهادت رفتند و حضور فسالشان در انقلاب در سنگرهای مختلف از نبرد مسلحانه گراته تا پاسداری و نگهبانی پشتوانه‌ی بزرگ پیروزی بود می‌تواند در سازندگی جامعه نقش موثری ایفا کند!؟

آقای وزیر توجه داشته باشید که بار اعظم آموزش و پرورش بر شانه‌های زنان هموار است. این بسی‌حرمتی غیر قابل بخشش می‌باشد. بیش از آنکه زنجیدی خاطر به جاهای بار یکشد، سیاست خود را متعادل کنید و از انقلاب بزرگ و معجزه‌سان ماچهری زنت‌وغیر انسانی‌ترسیم‌نمائید.

یادشهیادان ۱۷ شهریور گرامی باد

توجه به برق سر نیزه و قطار فشنک تیر بارها و حرکت تانکها و پرواز هلیکوپترها، آرام و بی‌دغدغه چونان که به نماز میروند، راهی میدان شهادت شدند.

نخستین گل‌وله‌ها شلیک گردید، صف مردان و زنان دهم شکست پشته‌ای از کشته فراهم آمد و هنوز هم از شمار راستین این دل‌آوران به‌خون‌خفته آگاهی بسدست نیامده است. سراسر آن «جبهه سپاه» میدان‌ذاله و خیابان‌های گوداگردش صحنه واقعی کارزار بود و خونهای گرمی که در این روز دگرگون ساز بر خاک ریخت نهال استقلال و آزادی را پیاپی آبیاری کرد تا به درخت‌تاور انقلاب اسلامی ملت ایران بدل شد.

اکنون در سالگرد این روز بزرگ سرنوشت، همه ایرانیان پیاخته‌اند. نابه یاد آن شهیدان گمنام، روز هفدهم شهریور امسال را بپندارند از سلطه بیگانگان به‌گونه روز دیگری از نمایش همبستگی ملی داوروند. بیاید همه‌یام در بزرگداشت این روز تاریخی بکوشیم و با شرکت در راه‌پیمایی‌پیش‌بینی شده یکبار دیگر بویانی انقلاب ایران را نشان دهیم

چهارشنبه چهاردهم شهریورماه ۱۳۵۸ ایران دبیرخانه حزب ملت ایران

همیشه هم دولت صحبت از کج‌وب‌مالی می‌کند. امیدوارم رئیس دولت این نامه را تصور پر ضعیف کردن دولت نکند و آنرا يك آگاهی دهنده بخواند زیرا آقای نخست‌وزیر تمام ار کمی در این مملکت حومه دارد که کار دولت را از زیر پای کند و سراسر

متعدد تصمیم‌گیری را هم بخوبی بشناسند تا بیهسته که دست دولت در بسیاری از امور بسته است لیکن بیشتر مردم که حومه‌ام چنین کاری را ندارند با خود تصور می‌کنند دولتی که با آنچه چنچال بازم يك ممنوع‌الخروج را از کشور اجاره خروج داد دولتی که شلاق زدن و در بعضی مناطق رشوه‌گیری را جلوگیری نیست و دولتی که سیاست پولی کشور را تعیین نمی‌کند و انتخاباتی را که باید یکی از وزارتخانه‌های تحت نظارت او انجام دهد کنترل نمی‌کند

و اگر هم کرد و خلاصی دید با چشم‌شمارا چه شد که روحیه دلمردگی در کارمندان دولت ایجاد شد که نخست‌وزیر ملسی را وادار کرد اعلام کند کارمندان خرابکار و کم‌کار را مجازات می‌کند، چطور شد که در مقابل تحسن و اعصاب مقاومت نشان داد، و برای پیشگیری خواست که سازمانسپا اداره حفاظت و کنترل درست کند و در بخشنامه دیگری خطاب به روسای سازمانهای مختلف دولتی اعلام کرد که پاسداران تشکیل یاتنه‌اند و بعضی پروژ مشکل با آنها تماس بگیرید.

چرا مردمی که به خیابانها آمدندند و یکپارچه در مقابل دولت وقت ایستادگی کردند و مهدی بازرگان را نخست‌وزیر ایران اعلام کردند اینطور بدشدند که نخست‌وزیر را به خشم آوردند آنطور بخدم آوردند که دوستی می‌گفت در مقابل نخست‌وزیر فید شده بود اگر ملت این دولت را نمی‌خواهد به خیابانها بیاید و اعلام کند، گسه این نکته هم در پیام حذف شده است و اگر صحت داشته باشد یعنی درست خلاف عقیده‌ای که مردم دهفت‌ماه پیش داشتند!

آقای نخست‌وزیر مردم دگرگوشی و کم‌کم بطور علنی از همدیگر می‌پرسند راستی درآمد ایران چطور می‌شود که تاگزیر به‌باز

کردن حسابهای مختلف مسی‌شویم و مهدی

آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.

آقای نخست‌وزیر چه حسابی است که در بعضی شهرستانها زن را می‌کشتند و مرد را شلاق می‌زدند و در دیگری عکس این عمل می‌کنند و هرچما هم نشیه است، آیا نوعی ملوک‌الطوایفی در تقسیم عدالت نیست، آیا یکتوع بی‌بندوباری در جامعه نیست که هر گوشه مملکت‌سازی برای خود کورک کند و آیا شما فکر نمی‌کنید قدرت گرفتن نظیر این سازمان تبدیل به غرضپناهی می‌شود که من و شما بعنوان عمل می‌توانیم جلوی آنرا بگیریم و اگر چنین شود درهانی که این غرض از آن خارج می‌شود یا فرو خواهیم رفت.